

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@afgazad.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

سازمان انقلابی افغانستان

«جامعه جهانی» یا امپریالیست های خونخوار؟

به ادامه گذشته:

۱. از نظر سیاسی:

با اعلان نظم نوین و جهانی شدن، امریکایی ها و متحدان غربی شان تمام دنیا را به قبول دموکراسی لیبرالی و در تمام زمینه ها مکلف به پیروی از سیاست های امریکا ساختند. آنان رسماً اعلان کردند که عدم قبولی سیستم سیاسی مورد قبول سرمایه داری از سوی هر کشوری به معنی دشمنی با این سیستم می باشد. دولت های ایران، لیبی، کوریای شمالی، کیوبا و سوریه به عنوان پنج اژدهای کوچک نامیده شدند و رسماً اعلان گردید که این نظام ها باید سرنگون گردند و برای این سرنگونی به مخالفان هر یک از این کشورها مقدار معین پول از سوی سنای امریکا به تصویب رسید و عده ای از سازمان هایی که به ضد نظام های استبدادی شان مبارزه کرده و به نحوی در مخالفت با منافع امریکا قرار داشتند و به وابستگی تن نمی دادند، در لست سیاه امریکا به عنوان تروریست درج شدند. امریکا در جنگ های درونی و تجزیه یوگوسلاویا به شش کشور کوچک و تجزیه البانیا مستقیماً دخیل بود، جنایات بی شماری را در حوزه بالکان مرتکب شد و تلاش های امپریالیستی المان را درین منطقه به نفع خود خنثی نمود. در درگیری های ارمنستان و آذربایجان، درگیری های ابخاز، اوستیای جنوبی، لبنان، چین، افغانستان، پاکستان، ازبکستان و «انقلاب های نارنجی» اوکراین، گرجستان و قرغیزستان مستقیماً دست داشت؛ برای از پا درانداختن روسیه و ایجاد درگیری میان ۲۰ جمهوری آن از طرق مختلف تلاش کرد؛ برای تجزیه چین به دو بخش چین و تبت دالایی لاما بودایی فرتوت که به عنوان رهبر مخالفان و طرفدار استقلال تبت از سوی امریکایی ها، متحدان و مزدوران آن پذیرفته شد، مورد حمایت جدی قرار گرفت و گروه های مسلمان بنیادگرای سین کیانگی را سازماندهی نمود؛ انگلیس ها و امریکایی ها متحداً رهبران القاعده را پرورش دادند و امکانات بسیاری به صورت مستقیم و یا از طریق کشورهای مزدور چون عربستان سعودی، امارات و پاکستان در اختیار آن ها قرار دادند. فرانسوی ها جنگ های درونی رواندا که قتل عام حدود دو میلیون نفر را به دنبال داشت؛ جنگ های درونی سودان را با قتل عام های بی سرانجامی که تا هنوز ادامه دارد، رهبری کردند؛ درگیری های چاد، جنگ داخلی در زئیر و ده ها

قتل عام دیگر را در قاره آفریقا به راه انداختند، به این خاطر فرانسوی ها قاتلان اصلی توده های این قاره شناخته می شوند.

نظم نوین امریکا جز ترفندی که با تمسک به آن تجاوز نماید؛ دست کمپنی های چپاولگر را در مکیدن شیرۀ جان و خون انسان ها باز گذارد؛ با دامن زدن جنگ ها به فروش تسلیحات بپردازد؛ شبکه های استخباراتی، رسانه های همگانی و احزاب سیاسی را زیر کنترل بگیرد؛ به استقرار هر چه بیشتر نیرو در نقاط حساس و نفت خیز جهان بپردازد؛ به امضای معاهدات ستراتیژیک با دولت های مزدور برسد؛ به محاصره روسیه و چین شدت ببخشد؛ مواد مخدر را در کنترل خود در آورد؛ سیستم استثماری را جاودانه سازد و غیره چیز دیگری نبوده و به این ترتیب نزد بسیاری از خلق های جهان دموکراسی، جامعه مدنی و حقوق بشر امپریالیست ها با اینهمه زورگویی، کشتار، قتل و غارت بعد از یک و نیم دهه حناش را باخته و ماهیت نظم نوین امریکا و متحدان اروپایی اش با تجاوز به عراق و افغانستان کاملاً برملا شده است.

۲ - از نظر نظامی:

نظامیگری یکی از خصوصیات مهم امپریالیزم است. در نظام های امپریالیستی کمپنی های تولید اسلحه کشتار جمعی از مهم ترین منابع سودآور برای این نظام ها به حساب می آید. امریکا، روسیه، آلمان، فرانسه و انگلستان به ترتیب پنج کشور بزرگ فروشنده سلاح در جهان می باشند. به این خاطر امپریالیست ها از یک طرف تلاش می کنند که برای فروش تسلیحات شان جنگ های خونینی را در تمام نقاط جهان به راه بیندازند و از سوی دیگر برای سد نمودن پیشروی حریفان که بر سر بازار، مواد خام (در شرایط کنونی مخصوصاً نفت و گاز) و نیروی کار ارزان رقابت دارند، پیوسته زرادخانه های خود را گسترش دهند. سرمایه گذاری های کشورهای امپریالیستی بر کارخانه ها و تولید سلاح از سال ۲۰۰۱ به اینسو توأم با گسترش «نظم نوین» امریکا ۱۸ درصد افزایش یافته است و سرمایه گذاری های امریکا بر نظامیان و مخارج نظامیگری این کشور همانقدر که در دوران ریگان، جنگ با ویتنام و جنگ کوریا بود، بالا گرفته است. تمام این ها نشان می دهد که امپریالیست ها به سوی درگیری های خونین تری پیش می روند. مصارف کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره به خاطر خریداری سلاح باعث می گردد تا توده های مردم، مخصوصاً زحمتکشان این کشورها را در فقر چند لایه فرو برند.

امپریالیزم امریکا در فاصله میان جنگ دوم جهانی و فروپاشی اتحاد شوروی ده هزار میلیارد دلار (ده تریلیون) را صرف تولید زرادخانه هسته ای و غیرهسته ای خود کرده و اکنون بودجه نظامی آن سالانه به بیش از ۵۰۰ میلیارد دلار می رسد، متحدان اروپایی آن زرادخانه های تسلیحاتی شان را با صرف میلیاردها دلار تا دندان پر نمودند. بعد از فروپاشی اتحاد شوروی همه (به خصوص امریکا، انگلیس و فرانسه) به دنبال بازار فروش اسلحه سرگردان ماندند، به این خاطر با تمام قوا تلاش نمودند که کشورهای مختلف از جمله کشورهای ثروتمند عربی را با خطرات مرئی و نامرئی مقابل سازند. رژیم صدام حسین را که سال ها در برابر ایران تقویه کرده و به ارزش ۱۲۰ میلیارد دلار برایش سلاح فروخته و او را زیر بار قرض گور کرده بودند، با تجاوز بر کویت چنان تبلیغ نمودند که نه تنها کشورهای حاشیه خلیج فارس، که بسیاری از کشورهای دیگر آسیایی را سخت ترساندند و زمینه استقرار نیروهای ۴۰ هزار نفری امریکایی در طهران عربستان سعودی و ۳۰ هزار آن در کویت مساعد گردید. این موهبتی بود که امریکا بستر آن را با هزار مشکل آماده ساخت و بر شاهراگ های نفت این منطقه شکم انداخت (در بخش اقتصادی آن را به بحث می گیریم).

امریکا در ۱۹۹۰ با ۴۰۰ هزار نیرو به معیت سی هزار نیروی انگلیسی و تعدادی از نیروهای متحد دیگرش به عراق حمله کرد. امریکایی‌ها درین حمله ۸۰ هزار عراقی بی‌گناه را به قتل رساندند و بیشترین کارخانه‌های تولیدی عراق را نابود ساختند و بالاخره با مصرف ۶۲ میلیارد دلار این جنگ را بردند، اما امریکا توانست از عربستان سعودی، کویت، قطر، امارات، جاپان و آلمان برای پیروزی این جنگ ۹۰ میلیارد دلار باج بگیرد. فرانسه درین جنگ صرف با شش فروند طیاره شرکت کرد و با سقوط صدام سی میلیارد دلار قرض آن بر عراق سوخت. امریکا بعد از اشغال عراق در ۲۰۰۴ و ۲۰۰۵ حدود ۱۲۰ هزار میل کلاشینکوف، ۸۰ هزار هفت تکه و ۱۳۵ هزار واسکت ضد گلوله به آن کشور فرستاد که به علت انارشی و بی‌ثباتی حاکم در عراق همه آن‌ها لادرک شد و در ۲۰۰۷ به ارزش سه میلیارد دلار تفنگ‌های ام-۴ و ام-۱۶ جهت جانشینی کلاشینکوف به عراق فروخت که در آن موترهای زرهی نیز شامل بود.

امریکا بعد از جنگ دوم تا حال ۷۳۷ پایگاه نظامی در ۷۰ کشور جهان ایجاد کرده و دو و نیم میلیون نظامی و غیرنظامی در خارج از امریکا جهت تأمین منافع آن کار می‌کنند. مساحت مجموعی پایگاه‌های امریکا در جهان به ۲,۸ میلیون کیلومتر مربع می‌رسد و با هشتاد کشور جهان معاهده ستراتیژیک به امضاء رسانده که هر وقت بخواهد درین کشورها مداخله می‌کند. نیروهای دفاعی و تهاجمی امریکا در تمامی آبراه‌های جهان، در بحرالکاهل، دریای جنوب چین، بحر هند، دریای عمان، بحیره ی احمر، تنگه هرمز، خلیج فارس، بحیره مدیترانه، دماغه امید نیک و ده‌ها بحر و بحیره مستقر اند و چون سگ‌پاسبان منافع کمپنی‌های امپریالیستی سوسو می‌زنند.



امپریالیزم خونخوار امریکا جهت کنترل هر چه بیشتر خاورمیانه سفارتی را در بغداد تدارک می‌بیند که بی‌شبهت به یک پایگاه بسیار مهم نظامی و استخباراتی نیست. این سفارت که دو برابر واتیکان وسعت دارد، مصرف اعمار آن ۱۸۰۰ میلیارد دلار در نظر گرفته شده که در تاریخ، چنین سفارتی اعمار نشده است. درین سفارت که ۱۲۰۰ دیپلمات و سرجاسوس فعالیت خواهند کرد، ۶۰۰ منطقه رهاشی در آن در نظر گرفته شده است، با میدان‌های سپورتی و میدان‌های نشست هلیکوپتر؛ دفاع ضد موشکی داشته، در برابر سلاح‌های کیمیاوی و بیولوژیکی با سپر دفاعی مجهز می‌باشد. در این سفارت روزانه ده هزار کارگر نیپالی و بنگلادیشی کار می‌کنند و درازمدت چون بدیلی عوض ظهران به کار برده می‌شود. امریکا با دو احتیاج همیشگی به عربستان سعودی

خود را به نحوی در دست شاهان این کشور می‌داند (امریکا به طور مستمر از عربستان می‌خواهد تا تولید نفتش را جهت پایین ماندن قیمت آن بلند ببرد و به گروپ های مبارز عرب به ضد اسرائیل کمک نکند) و علاوه به اینکه خود عراق را تا مکیدن آخرین قطره نفت آن زیر بال می‌گیرد، تمام شرق میانه را ازین طریق کنترل کرده، فشار بر عربستان سعودی را افزایش می‌دهد.

طوری که سرمایه داران در بخش های دیگر تولیدی رقابت می‌کنند و کمپنی های فراملیتی می‌سازند، در تولید تسلیحات نیز به این کار دست می‌زنند، مخصوصاً اروپایی ها که در رقابت با کمپنی های قوی امریکایی نمی‌توانند بازارها را به دست بگیرند، لذا به تشکیل چنین کمپنی هایی می‌پردازند. کمپنی تسلیحاتی «MBWA» که در آن 37,5 درصد سهم فرانسوی ها، ۲۵ درصد سهم ایتالیایی ها و 37,5 درصد سهم انگلیس هاست، ارتش های ۴۱ کشور جهان را مسلح می‌سازد. این کمپنی تنها برای لیبی که با نایجریا بر سر یک منطقه نفتی نایجریا کشمکش دارد، به ارزش ۱۶۵ میلیون دلار سلاح فروخته و حال می‌خواهد به نایجریا هم همینقدر سلاح بفروشد.

امریکا با تمسک بم هسته‌ئی کوریای شمالی دفاع موشکی جدیدی را در اروپا نصب کرده، به این بهانه هر دستگاه پتریوت را برای جاپان در بدل یک میلیارد دلار می‌فروشد؛ با تمسک قرار دادن القاعده، برای عربستان سعودی به ارزش ۷۰ میلیارد دلار تسلیحات پیشرفته هوایی و زمینی به فروش می‌رساند. انگستان نیز به ارزش ۲۰ میلیارد دلار جت های تایفون به عربستان سودا کرد. اسرائیل به ارزش ۳۰ میلیارد دلار سلاح از جمله طیاره هایی از امریکا خریداری کرد که بالاتر از سطح رادار منطقه پرواز می‌کنند و در برابر آن سوریه به ارزش چند میلیارد دلار عین طیاره های بلند پرواز را به روسیه فرمایش داده است. اسرائیل از ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۶ به ارزش ۵۰ میلیارد دلار سلاح و تجهیزات نظامی از انگلستان خریداری کرده و ۵۰ میلیون دیگر نیز فرمایش داده است. پاکستان از ایالات متحده امریکا فانتوم های شانزده خریداری کرد و در مقابل آن هند به ارزش سه میلیارد دلار میگ های ۳۱ به روسیه فرمایش داد. اندونیزیا هم دو میلیارد دلار را صرف خرید سلاح های روسی نمود. ایران علاوه به اینکه طیاره های باربری از روسیه خریداری کرد، جت های شکاری، سوخت اتمی و زیردریایی هایی که در آب های کم عمق خلیج فارس چندان قدرت مانور را ندارند نیز خریداری نمود، با اینکه امریکا با تمام قوا تلاش می‌نماید تا از اتمی شدن جاپان و المان جلوگیری کند، اخیراً با به قدرت رسیدن سرکوزی روابطش با فرانسه بهبود یافته است. فرانسه به ارزش دو میلیارد دلار برای قطر و به همین ارزش برای امارات، کویت و عربستان سعودی ریاکتور هسته‌ئی می‌سازد. چین قرارداد سی میلیارد دلاری را برای ساختن ریاکتورهای هسته‌ئی با فرانسه به امضاء رساند و با اینکه فرانسه کلان ترین پایگاه نظامی را در جیبوتی دارد، برای سهم گیری و نظارت بر خلیج فارس اینک تصمیم به استقرار پایگاه نظامی با پنجصد سرباز در بندر ابوظبی را روی دست گرفته است. فرانسه در سال ۲۰۰۷ به ارزش ده میلیارد دلار سلاح فروخت، در حالیکه در ۲۰۰۶ فروش تسلیحات آن به ۵ میلیارد دلار می‌رسید و به این ترتیب رشد صددرصدی فروش سلاح آن را نشان می‌دهد. علاوه در جنگ هایی که به اشکال گوناگون در پنج قاره بعد از فروپاشی اتحاد شوروی جریان داشته، کشورهای مختلفی از فروش تسلیحات شان سود برده و به این خاطر امپریالیست ها تلاش می‌نمایند که در بسیاری از نقاط جهان جنگ ها را شعله ور نگه دارند، زیرا سرشت امپریالیزم با سلاح و جنگ گره خورده است و لذا نمی‌توانند ازین سود چشم‌پوشند و این سود را با ریختن خون هزاران انسان در جهان به دست می‌آورند.

امروز افغانستان محل مهم آزمایش تسلیحات امریکا و متحدان اروپایی آن در ناتو می‌باشد و با به آزمایش گذاردن سلاح های پیشرفته شان در افغانستان بازاریابی کرده، گفته می‌شود اکثر سلاح هایی را که امریکا و

انگلیس در چند سال اخیر به فروش رسانده، ابتداء در افغانستان یا عراق مورد آزمایش قرار گرفته و به تبلیغ گذاشته شده، بعد به فروش رسیده اند، کاری که به زودی فرانسوی ها نیز آن را آغاز خواهند کرد. کشورهای اروپای شرقی مثل پولند و چک نیز به دنبال چنین آزمایش هایی در افغانستان اند که در بخش اشغال افغانستان بیشتر روی آن مکتب خواهیم کرد.

امریکا و انگلیس، عراق را به خاطر چاه های نفت و افغانستان را به خاطر موقعیت جیو اکانمیک آن به صورت عریان اشغال نمودند که تا حال عراقی ها درین جنگ یک و نیم ملیون نفر و افغان ها بیش از ۱۰۰ هزار نفر تلفات داده اند. ارمغان دموکراسی امریکایی در عراق علاوه بر یک و نیم ملیون کشته و دو ملیون زخمی، فقر، دربدری و چهار ملیون آواره است؛ در افغانستان تولید ۹۵ درصد تریاک جهان، ۴ ملیون بیکار، یک و نیم ملیون معتاد و فساد اداری افسانه ئی با هفت ملیون گرسنه بوده، در افغانستان در هر نیم ساعت یک افغان و در عراق در هر بیست دقیقه یک عراقی کشته می شود. علاوهً امروز با نظم نوین جهانی امپریالیست های خونخوار در سریلانکا، کشمیر، آسام، نیپال، پاکستان، افغانستان، بلوچستان، کردستان، لبنان، فلسطین، اسرائیل، چیچن، ازبکستان، گرجستان، ناگورنو قره باغ، عراق، سودان، چاد و پیرو جنگ جریان دارد و در تمام این جنگ ها دست امپریالیست ها دخیل می باشد و از زمان اعلان این نظم نوین جنگ های خونین و قتل های عام گسترده ای را امپریالیست ها مخصوصاً ایالات متحده امریکا در یوگوسلاویا، البانی، رواندا، سودان، زئیر، افغانستان و عراق به راه انداخته اند که جان حدود ده ملیون انسان را گرفته و بیش از پنج ملیون خانواده را بی خانمان و مهاجر ساخته اند.

امپریالیست های خونخوار با تولید سلاح های هسته ئی و غیرهسته ئی که خود یا مزدوران شان بزرگ ترین زرادخانه ها را ساخته اند، نظم نوین امپریالیستی با جنگ های محدود و یا جهانی می تواند آن ها را خالی سازد و به این صورت تا نظام های امپریالیستی در جهان وجود دارند، راهی جز جنگ، غارت و قتل عام انسان ها وجود داشته نمی تواند. امپریالیست ها در ۲۰۰۶ به ارزش بیش از ۱۰۵۹ میلیارد دالر سلاح فروخته و این گراف در سال ۲۰۰۷ بالاتر رفته است. به صورت مشخص، سرمایه داری امپریالیستی جهت کنترل بر بازارهای تسلیحاتی و رونق فروش، دولت ها را در سه قاره به جان هم می اندازند تا بازار تسلیحات شان را گرم سازند. سوریه در برابر اسرائیل؛ اسرائیل در برابر لبنان؛ فلسطین در برابر اسرائیل؛ عربستان، کویت، امارات، قطر و عمان در برابر ایران و القاعده (مدت ها این کشورها را از عراق می ترساندند)؛ پاکستان در برابر هند؛ لیبی در برابر نایجریا؛ لیبی در برابر چاد؛ چاد در برابر سودان؛ رواندا در برابر زئیر؛ کولمبیا در برابر ونزوئلا؛ گرجستان در برابر روسیه؛ تایوان در برابر چین؛ جاپان در برابر چین؛ تیمور شرقی در برابر اندونیزیا؛ ارمنستان در برابر آذربایجان؛ ازبکستان در برابر تاجکستان؛ افغانستان در برابر پاکستان؛ هند در برابر نیپال؛ اوکراین در برابر روسیه؛ انگولا در برابر نامیبیا؛ عراق در برابر سوریه؛ ایران در برابر ترکیه و ترکیه را در برابر یونان قرار می دهند. در صورتی که در جهان چنین رویارویی هایی وجود نداشته باشد، جایی برای فروش این تسلیحات وجود نخواهد داشت. علاوه بر به جان انداختن کشورها تلاش می کنند که در درون این کشورها نیز آتش تجزیه طلبی های درونی را دامن بزنند. این را در سین کیانگ چین؛ در آسام و کشمیر هند؛ در چیچن روسیه؛ در تاملیل های سریلانکا؛ در کردستان ایران و ترکیه؛ در بلوچستان ایران و پاکستان؛ در تبت چین؛ در باسک های ایتالیا؛ در جنوب سودان؛ در صحرای مراکش؛ در کردستان عراق (قبیل از اشغال)؛ در ناگورنو قره باغ ارمنستان؛ در ابخازیای گرجستان و غیره می توان دید که عموماً دولت های سرکوبگر از کمپنی های تسلیحاتی امپریالیستی سلاح می خردند، این

آتش افروزی و هیزم بیاری از موارد دیگر است که زرادخانه های امپریالیستی را به گردش در می آورند. همچنان تقویت ارتش های این کشورها به خاطر ترس رژیم های شان از قیام توده های این کشورهاست که روزی رژیم های مزدور آن ها را در طوفانی از نفرت و خشم غرق خواهند کرد.

ادامه دارد